

أَفْوَضُكُمْ إِلَى اللَّهِ

الحمد لله الذي جعلنا من تصديقاته نفعاً لغيره من المؤمنين



بجنته وجميع انوار آب مولوی قبول احمد صبا دشهر کهنه

در طبع حسنی میر حسن ضوی طبع پوین

۵۴۴۵

مکتب
الارباب

۲۰

۱۹۶۲
۱۰۹۹

۲۹۷۱

م ق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على ما اعطى رسولنا محمد على عباده الذين هم خلق الله بعد نعمة الله انما كان في الدنيا
الكبريت الاحمر تب على خلقه فصولها عند الغول مقبول فصل اول تحقيق
اسم اعظم وجميع السلوك مؤتمن في شمس مقدس سر قوم است كما اتقوا الله
اسماءت بيك هزار جنت ملك بيك نيكند وكيه ناز و خوش طيور بنه صله بنيام
اسلام بود و نه جمله ام اعوام نهاس بيك نام بخير خدا كسي نميداند و جهان اعظم
است نمويدا بقول استا بخير و تفسير غزيرى مظهر است كما اتقوا الله باروت دار
را اسم اعظم اسم ختم از يك نام نيل نيد و باز روند و از شايخ بهره حاصل كرده
بلا الاخر بيده اگر كرس ميدن طاعت تعليم و تعلم و خصوصيت جود و العظم
از حضرت غوث الاعظم نقول است كه الله اسم اعظم است بشرط انك بگوئي الله يا الله
غير خدا و بخير عبد الحق بگوئي رساله طلب الله على شمس الاسماء حسنى من كماله
بقول اسم اعظم بسم الله الرحمن الرحيم است حضرت غوث الاعظم فرموده اند كه بسم
از عارفانند حرف گن است از پروردگار انتفى لانتم ابو محمد الدين احمد حقيقى

AK JUNG EST
(Oriental
URDU PRINT

ادیکم
۲۹۷۱
م ق
۵۴۴۵

کرده که هر که در عهد خود بنقصد با بسم الله بخواند خدای تعالی او را از
 آتش و دوزخ آزاد کند و در مجموع خانی آورده که در عهد امیر المومنین علی کرم الله وجهه
 حربیان مسلمی ادا جنگ گرفتند و عقوبت بها کردند تا مرند شود و روغن گرم کرده
 او را انداختند و بسم الله الرحمن الرحیم گفت و روغن در سرش انداختند و سبابت
 ماند حق سبحانه این هم اعظم از انبیا و پیغمبر اعانت کرده می
 از ان نوح علیه السلام را که هنگام سواری شتی فرمود بسم الله و نوح و یاسین
 دوم حضرت سلیمان گفت اِنَّكَ مُّهِمِّنْ سَلِمَانَ وَاِنَّكَ مُّهِمِّنْ اَللّٰهُ الرَّحْمٰنُ
 الرَّحْمٰنُ فصل دوم در فضائل درود و خواص فوائد و برکات آن بدانکه
 سفری صلوة اگر از جانب حق باشد رحمت از غیر خدا طلب رحمت از جمیع معنی اللهم
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نیت که بار خدا را بپایان محمد صلی الله علیه و آله و سلم در دنیا با
 ذکر او و آخرت با بقا بر تربیت و عطای درجه شفاعت مسند با تفاق علما
 صلوة بر آنحضرت و حبست با اختلاف در مقدار است و مالک تمام عمر یکبار فرزند
 بر این خوب تا نفعی در ششده غیر باشد و امام غفرم سنت صلوة در وقت پنج هم مبارک
 متفق است که در یک مجلس غفر نامی بگوید و یکبار در حبست و بعضی بگوید و بعضی بر آن
 از کیفیت تا نیت حبست باقی سنت صلوة امام نووی گفته که فضل درود با این است
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى
 آلِهِ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى

عَلَى الْبَرَاهِيمِ وَبَارَكَ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْوَحِيدِ وَعَلَى آلِهِ
 أَزْوَاجُهُ ذُرِّيَّتُهُ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى بَرَاهِيمَ وَعَلَى الْبَرَاهِيمِ فِي الْعَالَمِينَ
 إِنَّكَ حَسْبُ مُحَمَّدٍ جَاكِزٌ جَمِيعُ طُرُقِ حَادِثٍ صَحِيحٍ أَسَدُ فَوَاهِدٍ سَيِّدُ
 دُورٍ غَيْبِ بِلِ السَّعَادَاتِ عَبْدُ الْحَقِّ هُوِي تَخْفَعُ لِعَلَمِهِ لَانَا كُنْشَقِي بِالْاِسْتِغْنَاءِ كُورِ
 نَبِي زَانِ كُوِي كُنْ سَلَامِي بِرِجَتِ بَرِ سَلَامِ زَا لِهَ اَمْرُ اَنْفَاتِ اِنْ تَقَرَّرَتْ قُرْبَتِ
 دِهْ كُنْ تَحُو كُوِي رَفْعِ دِهْ دَرَجَتِ تَقْضَا حَاجَاتِ مَغْفَرَتِ كُنَا بَانِ صَفَا قَلْبِيَا دَامَنِ
 شَدِ حَبِ رَفَاتِ زَنُو اَفْضَلِ سَعَادَتِ رُوِي آدَايِ قُرْبِ رَفْعِ سُوِي مَغْفَرَتِ كُنَا دَامَنِ
 اَمْرِي ذَوَانِ دِرْ عَلَانِ بَاوَتِ تَرْبِ بِلِ صِلَا تَحْرِيمِ حَبِ صِلِي بَرِنَا قَبُولِ دَعَا وَجُوبِ
 شَفَاعَتِ سَيِّدِ الْاَنْبِيَا وَرَسِيدِ نَزْدِ اَنْخَفَرَتِ صِلِي اَسَدِ عَلَيْهِ اَلُو سَلَامِ قَبْلِ
 اَزْ دِيگَرِ اِنْ قِيَامَتِ دُرُو دَفَرَسْتَانِ خَدَاوِ مَلَا كُنْ بَرُوِي نَجَاتِ اَزْ هَوْلِ تَحْزِينِ
 خَلَاصِ اَزْ هَمَا كُنْ نِيَا وَاَزْ اَعْظَمِ فَوَاهِدِ وَاِهْمِ مَقَاصِدِ خَدَا كُوِي رُشْدِ اَسْمِ
 دُرُو دَفَرَسْتَانِ هَمِيشِ اَنْشُورِ كَانَاتِ دُرُو رُشْدِ اَنْ تَخْلَاصُ مَوْجُودَاتِ
 دُرُو رُضِ اَلَا خَفَرِ اَنْ شَيْخِ زَيْنِ الدِّينِ عَلِي دُرُو سَيِّدِ كِهْ مَا شَجَرِ بِي كُرْدَمِ دُرُو بَرَكَا
 اَنْ تَوَسَّلِ بِحُفَّتِ رِسَالَتِ اَنْشُودِهْ دُرُو دِ بَارِ فَرَسَا دَفَرُو دِي سَاخْتِ وِ
 بِرُوَاخْتِ شَدِ اَسْرَدَانِ مَهْنِتِ كِهْ دُرُو مَقْبُولِ سِتِ شَيْعِهْ وَذَاتِ اَوْ تَعَالِي
 اَنْ بَرِ سَتِ وَاَزْ سَوَالِ كَسِي حَسْبِ نَرِي رَا اَجَا كُنْ بَرِ بَانِي رَا كُنْ اَشْتِغَالِ
 شَانِ كِرَامَتِ اَسْتِ لِهَذَا فَرَسُو دِهْ اَنْدِ كِهْ اَهْلِ اَخَرِ هَرِ دَعَا دُرُو دَرِ اَضْمِ

۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴۸۳
 ۴۸۴
 ۴۸۵
 ۴۸۶
 ۴۸۷
 ۴۸۸
 ۴۸۹
 ۴۹۰
 ۴۹۱
 ۴۹۲
 ۴۹۳
 ۴۹۴
 ۴۹۵
 ۴۹۶
 ۴۹۷
 ۴۹۸
 ۴۹۹
 ۵۰۰
 ۵۰۱
 ۵۰۲
 ۵۰۳
 ۵۰۴

فصل سوم در ساق مجبوبی بجای حریفان و نسبت اهل بیت
 فردی چراغ خانه آنیستی یعنی حسین را تو نور العیسی مولا فیه در گمانه دریا
 مجمع العجریک پیرایه بیت حسن فریده حاجی سین و تراب کوی تو کل الجواهر عارفان
 ابو تراب زاهد و را تو نور العین و قدم پای نبی گلشنی تو از این شدت بگذرن کبریا
 قدم بپوشید و علم طبعی و پند و دهم و گمان امام مجتهدی از توشیح یافته زین +
 خال آتش قبول از حق نیست زیارت تو فرغانه دل دامن بن و حضرت نعل الدین
 خجسته را کی فرموده به بر علم که کم کار مزخ شاخه جلا فیه بر قدش در ست آلود کس
 اعظم از ثانی و له قبله اهل صفا حضرت غوث ثقلین و سنگه بر طایفه حضرت غوث ثقلین +
 نقیض محی الدین نام پادشاه القادر بن میرای صالح بر محسن بن عبداللہ بن محسن
 بن سید محمود بن ابی و بن عثمان بن سید عبداللہ بن محسن بن سید عبداللہ بن
 سید محمد المعروف بحسن شنی بن ابی حمزه بن حضرت غوث الاعظم جناب ابی حمزه
 یازده نسل در میانست شاید که اختیار عدد یازده در سلسله قادریه از بهرین است
 و نسبت حضرت از جانب ادربی فی فاطمه بنت شیخ عبداللہ موسوی بن سید
 ابوالجمال و له سید ابو محمد بن سید احمد بن سید طاهر بن سید عبداللہ
 بن سید کمال بن سید علی بن علاء الدین محمد بن امام
 جعفر صادق بن امام محمد باقر بن حضرت
 امام زین العابدین بن حضرت امام حسین علیهم السلام قوله

[illegible]

والله اعلم
بما فيه
الغيب

قوله آنجناب در سال چهارم هفتاد و یک وفات در پانصد و شصت و
 دو نهم بایاز دهم ربیع الآخر و الاول صحیح عند اکثر و ان فی ان شهر قریل
 هفتم شمرند که ذکر کند اقال شیخ عبدالحق فی غنیت من سنیته و کرامات
 که بعینه مجوز بنی است بیرون از چهارست از کتاب المفاخر فی مناقب عبدالحق
 باید دریافت نیز در مناقب عوثنیه بسیاری از آن مرقوم است این مختصر گزینش
 ندارد و الا جرم کند که بعضی مساعرا از سعادت محروم نمیکند از دوری در محفل خود
 در عین صحوه سکر ارشاد فرمودند قَدْ مَنَى عَلَى كَبْقَةِ كُلِّ وَلِيٍّ لِلَّهِ حَبْلُهُ
 حاضر این مجلس سیف و یا منیف سرفرو و جزند و گفتند نعم نعم از خواجق طلب
 منقولست که من فی انوقت بجنور خواج معین الدین چپستی و اجمید و دم ناگاه
 خواج بزرگ حمزه را فرود کرده فرمودند که بَلْ عَلَى حَدِّ قَرَعَتِي پرسیدم
 ای شیخ این چه حالت است برینا قدم مطلع گردانیدند و شاه بدیع الدین
 می گفتند که این کس از مرتبه و راء الموار حاصل است اگر نبوت ختم نشده بودی بر کس
 میشد و این مرتبه و ولایت معدوده را حاصل شده شیخ عبدالحق و بلوی
 در زمره شکوه می نگار که حقیر و محفل و عطا آنحضرت حاضر میشد
 انکما میفرمودند یا اَسْرَائِيلَ اَسْمِعِ الْحَمْدَ عَنِّي وَ ارْطِعْ لِي نَجْمًا
 است اَنَا الرَّؤُوفُ بلکه وجه گفتن قدمی آنهمین ارشاد فرمودند که
 در شب معراج روح مرا پروردگار بصورت بساط نورانی فرستاد

تا بن خود را سوار کرده تا حجاب کبریا رساند آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم سر
 شده مراد عا کرد که قدم من برگردن تو و قدم تو برگردن من سائر اولیا و الله
 اعلم بالصواب قصه اخوان شیخ صنعان ابن جوزی محدث و بعده عضو
 نقصیر کتب طولی مسطور است در روض الانضر نوشته که از اکابر معجزات
 رسول کائنات که بعد آنحضرت بوقوع آمده ظهور و بزرگواری است یکی جوینی
 قوی دوم شیخ عبدالقادر جیلانی رضی وجه لقب محمدی الدین خود را از انتخاب
 منقول است که در حالت سیاحت دوزی وارد بغداد شد شخص بی هم درنگ
 ضعیف و ناهت زردی رنگ بیماری که طاقت نشست برخاست نداشت
 از من گفت دستگیری من کن مرا رحم آمده دستش گرفته استاده کردم
 فوجا حسیح و سالامه و انا و سرخ و سپید گردید و گفت من نیم که بعد از زمانه
 نبی نه شده و علیل شده بودم و ان تعالی زندگی من دوبار از دست تو کرده
 نامت از امر و زحمی الدین است و کرامت احیای موی و

وسعت رزق و غنیه کبریات و موات

از انتخاب بوقوع آمده و الله اعلم

اللَّهُمَّ احْشُرْ لَنَا فِي مَوْتِكَ

أَوَّلِيَّائِهِ

تَعَالَى

افوض میری الی اللہ

الحمد لله الذي جعلنا من تصنیفنا صریحاً في التعلين



بجستیه و تحسین افادات آب مولوی قبول احمد صبا در شهر کهنه

در طبع حسنی میر حسن ضوی طبع پو

۱۳ «و انزلنا من السماء ماء فاصبح على الجبال زينة»
و بعضی از علما و مفسران گفته اند که در این آیه اشاره به کوههاست که با باران زینت می یابد و در این آیه اشاره به کوههاست که با باران زینت می یابد و در این آیه اشاره به کوههاست که با باران زینت می یابد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شروع کرتا ہوں سب اہل نام احمد پری مہربان نہایت رحم والی کی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ عَلَيَّ وَأَنْمِي كِتَابَكَ

ای خدا نازل کرتو بہترین درودوں اپنی کو گنتی میں اور زیادہ کر بہ کثرت اپنی کو

مُحَمَّدًا وَآلَهُ نِيْمَاتِكَ فَضْلًا وَمُدًّا عَلَى شَرِّهِ الْحَقَّ

ہمیشہ اور پاکیزہ تر محفون ایسوں کو از رو دنیا دتی کی اور بزرگترین اصلوں

لَا نَسِيَّةَ وَمَعْلَى الدَّقَائِقِ لَا مَانِيَّةَ وَطَرِ الْجَلِيَّاتِ

نسان کی اور کان باریکیوں ایمان کے اور کوہ بزرگ روشتین

احساناً فبط لاشر الحاميه بسط عقد النبيين و

انسان کی اور جگہ اور ترقی ہمیں خدا کی پیوند دینی والی گرہ پیغمبروں کی

عقدہ بالکشمیر شہر و ارباب اک

مجلس خواجه

درگاه اسکانون روشنی او و ظاہر ہوئی نور ہر چہ سیر کی
وہدایہ و سیر کل سیر و سنایہ الہیہ شقیقت
اور رہنمایہ کے اور سیر ہر سیر کی اور روشنی ہو سکی وہ ذات کہ کشتی کو گم
منہ لاسرار و انفلقت منہ ا توار السیر

اِس کے ہمید اور روشن ہوسے اوس سے نور ہمید
الْبَاطِنِ النَّوْرِ الظَّاهِرِ السَّيِّدِ الْكَامِلِ

باطن کی اور نورِ خاہر کی سردار پوریے

ابتداء کریں جو الی تمام کریں جو الی اول آخر پوشیدہ غیب ہر کہ

پس بھیجی انہوں نے اوطھانہ نبویٰ منیع کرمہ الی حکم کرمہ الی پند دی والی بزرگ نمواں جبریل و میکائیل علیہ السلام

الشَّاكِرُ الْفَائِتِ الذَّكَرُ الْمَاخِي الْمَاجِدُ الْعَزِيزُ

شکر کر نیوالی دعا مانگنی والی یا دکر نیوالی مٹا نیوالی بزرگ علیہ السلامی
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَوْلَى الْعَلِيَّ الْمُتَوَكِّلِ الزَّاهِدِ

محکم دلائل سے مزین و متنوع و منفرد موضوعات پر مشتمل مفت آن لائن مکتبہ

حضرت المشاہد والشہود نور کل شیء
 در گاہ اسکانون روشن او ظاهر ہوئی نور پر جبر کی
 و ہدایہ و سرور کل شیء و سناہ الدیققت
 اور رہنما ہوئے اور ہر جہ کی اور روشن ہوئی وہ ذات کائنات کو
 منہ لاسرار و انفلقت منہا نور السیر
 اور سیر بہید اور روشن ہوئی اوس ہی نور بہید
 الباطن النور الظاہ السید اکامل
 باطن کی اور نور علی ہر کی سر دار پر رہے
 الفایض الخاویہ الاول لآخر الباطن الظاہ
 ابتدا کرنیوالی تمام کرنیوالی اول آخر پر مشید ہر کی
 العافی الخاشع النہی الامر الناجم الناطق الجہاد
 جہی کرنیوالی اور پناہی منع کرنیوالی حکم کرنیوالی بندہ والی پیکر کرنیوالی
 الشاکر القانت الذکر المأخى الماجد العزیز
 شکر کرنیوالی دعا مانگنے والی یاد کرنیوالی مٹانی والی بزرگ غالب باری
 الحمد المومنین العابد المتوکل الزاہد
 حاکم کرنیوالی گرویدہ عبادت کرنیوالی توکل کرنی والی زہد کرنی والی

ہر روز صبح و شام و عصر و عشاء و شب و روز
 ہر روز صبح و شام و عصر و عشاء و شب و روز
 ہر روز صبح و شام و عصر و عشاء و شب و روز
 ہر روز صبح و شام و عصر و عشاء و شب و روز

البَشِيرُ النَّذِيرُ الْعَظُوفُ الْحَلِيمُ الْجَوَادُ

خرد و پہنچان دہی و انی والی بہت مہربان
 الِكَفَرِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ

بخشش کرنی والی خوشبو و پاک برکت دہی گئی صاحبِ مرتب
 الصَّادِقِ الْمَصْدُوقِ لَا يَمِينِ الدَّاعِي إِلَيْكَ

سچی سچا کہی گئی امانت دار بلا نیوال غفلت کی طرف تیری
 بِإِذْنِكَ السَّرَاحِمُ الْمُنِيرُ الَّذِي أَدْرَكَ الْحَقَائِقَ

حکم تیری ہی جسے راسخ روشن ایسی کہ جس سے ہی جاننا اصل چیزوں کو
 بِمُحَمَّدٍ مَا وَفَّقَ الْخَلَائِقَ بِرُفَّتِهَا وَجَلَّتْ

نام و کمال اور بلا جوی مخلوقات پر ساری اور کیا تو نے ان کو
 جَبَّارًا وَرَاحِمًا وَادْنِيَةً وَرَقِيبًا

دوست اور مہربان کیا تو نے اوستی نزدیک اور نزدیک ہی تو نے ان کو جانکے
 وَخَمَّتْ بِهِ الرِّسَالَةَ وَاللِّدَالَةَ وَالْإِشَارَةَ

اور ختم کیا تو نے اون پر پیغمبری اور رہنمائی اور خوش خبری
 وَالنَّدَاةَ وَالنَّبُوَّةَ وَبَصَرَتَهُ

اور ڈرانا اور پیغمبری کو اور مدد کی تو نے ان کی

ہر روز صبح و شام و عصر و عشاء و شب و روز
 ہر روز صبح و شام و عصر و عشاء و شب و روز
 ہر روز صبح و شام و عصر و عشاء و شب و روز
 ہر روز صبح و شام و عصر و عشاء و شب و روز

اور کیا تو نے
 اور کیا تو نے

ہر روز صبح و شام و عصر و عشاء و شب و روز
 ہر روز صبح و شام و عصر و عشاء و شب و روز
 ہر روز صبح و شام و عصر و عشاء و شب و روز
 ہر روز صبح و شام و عصر و عشاء و شب و روز

باید دانست که از صفو آینه هشتیج در عجزات سر کائنات است
 و بی بیان طبعات پی برین معنی آن اشکالات لاجرم نمایی زان حاشیه صفو مذکور
 باقی در برین می نگاشته شد **معجزه نطق گرگ** این معجزه در ابتدا بعینت
 نظم خوانده که گرگ در پی آهوی افتاد و آهوی در حرم گرگ خارج حرم آمده است
 و بسفیان معجزه بنی فل بنی حال بد معجزه ندگرگ گفت چه تعجب را بد ازین امر
 عجیب آنکه مصداق صد علی آله و سلم شمارا دعوت میکند اجابت میکند پس گرگ
 آنجا بیا بچرخ ستوانده و سنگدل از غایت حسد کشتی هرگز ندان اسلام ندانند
معجزه استن حنا نه صحیح بخاریست که آنحضرت پشت مبارک در فوق خطبه و
 بر شکر میگذاشت چمن نبر ساخته شد و هر چه بر آید بدست و نای از غار که استر از
 منبر فرو آمده از و معانف که فرمود چو گرگ میگفتی گفت از هر تو نموا اگر خوشی اتی و
 گم نام او تشار از دنیا بخیرا و ار کنیاد و پشت و سنگد و ای استون آخرت بر دنیا احتی
 و وای غافل و امرن طلب عقبی کم از چو جنگ سبایش **معجزه نطق خر** در است
 و گوئی از قبیل یمنوز غار بیان کرده هر دو که اندخت بدیا آورد آنحضرت از وی از
 براتنی و آن پشت طاهران نزد یک که در بد فرس و هر که بزارید این که در این خبر و هر که
 زهر و دیت **معجزه تکلم** است و این معجزه در محل بسیار واقع شد از انجمل
 شری که مسجد کرد و هر که بر سر او بیست و فرمود که این شکر که در اکثرت عمل و طاعت
 احسان کند حق او یکبار شری شکایت تو نم و در که پیش از نماز عشا خوابید

وَنَصْرَتُهُ بِالرُّعْبِ وَظَلَّتْهُ بِالسُّحُبِ وَكَدَّتْ لَهُ

اور مدد کی توفیق ان کی ساتھ دہشت کی اوسا دیجاتو فی ان کو ابر کا اور بدستو اور مدد کی توفیق

الشَّمْسُ وَشَقِقتْ لَهُ الْقَمَرَ وَأَنْطَقَتْ

آفتاب کو اور مشن کیا تو نے او کی یہی جاندا اور گو کیا تو نے

والمذخر والمجمد والمد والنجار

اور یازو اور اونٹ اور بھٹ اور ڈھیلہ اور درخت
وَأَنْبَعَتْ مِنْ أَصْبَعٍ الْمَاءِ الْفُكَّالِ وَأَنْزَلَتْ

اور کمال اللہ تعالیٰ اور کلیموں کو بھی سب پانی میں ڈھکا اور نازل کیا تو

مِنَ الْمَنِّ بِرِدْعِهِ فِي عَامِ الْحُلُوفِ الْجَدِبِ

اے سب سے دعا گو کسی بیج سالِ مخط کے
و ابل الغيث المطر فاعشق منه القصر و

بَرَسِي بُونَدُونِ كَامِيَسِيَسِيَه بِهَرِي بُونِي اَوَسِي سِي رَزِيَن سِي سِي
 الْخَضِرُ وَالْأَوْعُ وَالسَّحْلُ وَالرَّمْلُ وَالْجَبَرُ وَالسَّيْرُ

بہرینہ و زمین کرایہ زمین رسم اور دیکنان اور پیرورینیا و اولو

اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَرَامُ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى إِلَى

السَّمَوَاتِ الْعُلَى إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى إِلَى قَابِ

قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى وَأَرِيتَهُ آيَةَ الْكَبَرِ

وَأَمَّا الْغَايَةُ الْقَصْوَى وَآكُمْتَهُ بِالْمَخَاطِبَةِ

وَالْمُرَاقَبَةِ وَالْمَشَافَهَةِ وَالْمَشَاهِدَةِ

وَالْمُعَانَنَةِ بِالْبَصَرِ خَصَصْتَهُ بِالْوَسِيلَةِ الْعُدَى

وَالشَّفَاعَةِ الْكَبِيرَةِ يَوْمَ الْفَرَجِ الْكَبِيرِ

فِي الْحَشْرِ وَجَمَعْتَ لَهُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ

نَجَّيْتَهُ مِنَ الْوَحْشِ وَأَسْلَمْتَهُ مِنَ الْوَحْشِ

اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔

اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔
 اے اللہ! میں نے تجھ کو سب سے زیادہ محبوب قرار دیا ہے اور تجھ سے سب سے زیادہ امید رکھتی ہوں۔

[illegible]

[illegible]

۱۲ فرزند پسر و فرزندان
فرز پسران و فرزندان
فرز پسران و فرزندان
فرز پسران و فرزندان

وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا أَمَرْنَا أَنْ تُفْعَلَ عَلَيْهِ

اور درود اور سلام بھیج اور اس کی جیسا کہ حکم کیا تو یہ کہ دو دو پچیسین ہم اور اس کی اور

صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا يَسْتَعِينُ أَنْ يَصِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتُصَلِّ

درد و داء سلا منہج اور بواسکی جیسا کہ سزاوارسی کہ دردیہجانی اور بواسکی منہج اور

وَسَلِّمْ عَلَيْهِ عَلَى إِلِهِ عَدَدُ نِعْمَاتِهِ وَأَفْضَالِهِ ۝

اور سلام پہنچا اور او کی اور او پر الہام کی کی شمار نعمتوں خدا کی کہ تیری اور انہوں

المُرسل سَلَّمَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَصْحَابِهِ وَأَوْلَادِهِ وَ

اسی خدا رو د اور سلام بھیج اور ہر اوسکی اور اویر اور لادوسکی اور اویر یا زون مسکھی اور ہر کون

الزَّاجِرَةُ ذُرِّيَّتُهُ أَهْلُ بَيْتِهِ وَعُزْرَتُهُ وَعَشِيرَتُهُ

بی بیوں و سیکے اور اولاد انہی کی اور گھر کی لوگوں انہی کے اور قبیلی انہی کی

وَأَصْحَابُهَا وَتَبَاعِدُ أَشْيَاعُهُ وَأَنْصَابُهَا

دو بیرون او نیکی اور گروہ او نیکی اور یارون او نیکی

خزينة اسرار و معادن انوار كنوز

گنجان ہسپتال اور اسکے پینڈرون اور سکی کی لہج

الحقائق وهذه الخلائق ونجومها

صلوں کے اور رہنما مخلوقات کی اور ستاری رہنمائی کی

[illegible]

سازگار گنجینه
بهر که هر چه بود
راه یافتند
درین میان
اعراب
شعب جان فشین
ستارگان جبار
ایران

والد اعلم
والد اعلم
والد اعلم

اور درمختار اور مستقل کی

[illegible]

دَائِمًا أَبَدًا وَأَرْضَ عَنْ كُلِّ الصَّحَابَةِ

حوشی ہمیشہ کی شمار خلقِ اینی کی اور بقدرِ اگرانی عرشِ اینی کی

وَرِضَىٰ نَفْسِكَ وَمِدَادِ كَلِمَاتِكَ كُلِّهَا

اور جو مٹی ذات اپنی کے اور سیاہی کلموں اپنی کی جب کہ
ذکر ذکر و کلام سہی عزیز کرک

یاد کری تیری کوئی یاد کریں والا اور جبکہ ہوا فی یاد تیری
 غافل صلوٰۃ تکریمک رضا وحقہ ادا

کونے کاغل وہ دہود کہ ہو تیرے لیے خوشی اور حق اونکی کی ادا
وَلَنَصْلَحَنَّهُ وَابْنَهُ السَّامِ وَالْقَضَاءُ

اور ہماری اپنی بنیادوں پر تو اس کو مقام وسیلہ کا اور پرانی کا
والدّرجة العالیة الرفیعة وابعثہ

اور مرتبہ بلند بلند اور بیچ تو

[illegible]

المقام المحمود واللواء المعقود والخصم الموروث

مقام ستمده من اور نشان بسته اور عرض کو ترک وادار ہوگی ہمارا اور
وَصَلِّ يَا رَبِّ عَلٰی جَمِيعِ اَخَوَانِنَا مِنَ الْاَشْيَاءِ

اور دوسری بیچ اسی خدا اور مہربان مومنوں اور مصلح کی کہ ہے
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالصَّالِحِينَ وَالشُّهَدَاءَ

اور عیبر اور ارباب اور بخت بین اور شب و دن
الصّٰدِقِیْنَ وَالْمَلَائِكَةِ الصّٰفِّیْنَ، عَلٰی سِدْقِہَا

اور صدیقوں اور فرشتوں نزدیک ہر اور اور ہر اور ہر اور

بزرگ محی الدین عبد القادر که امانت دارین درو دیو مجبور

خدا کی اور ان کے اسی خدا درود بھیج اور سلام اور برسرِ اہل

مجلس سابعی بحال و در آنجا که بعضی از علما و مشایخ
 بودند که به این مجلس حاضر شدند و بعد از آنکه
 سخنرانان را شنیدند و با ایشان گفتگو کردند

ملا ما مضى من حياتك وما بقى من سعيك
تشاروا لك ما جازا هو من نيرى سوى درج باقى رما اور جو كيكينى هو او نى

ہفت روزہ

کتابخانه عمومی

Handwritten musical notation on a staff, likely a vocal line, with lyrics in Urdu script written below it.

مِنْ أَتَيْنَاكَ الْمَدِينَةَ فِيهِ جُنَاحٌ

[illegible]

بعد الحمد علی حسنه که این درود مکرر منظم موسوم بکبریت است
 فی الحقیقت برائی برآمد مطالب نبی و دیونی اسم باهی
 است بدو وجه یکی آنکه فضائل مطلق درود از مقدمات که
 قبل این درود مکرر کرده شد باید دریافت و هم کلام مقبول است
 و بعد از صحایبه کبار و وجود ائمه اطهار و پیغمبر و زین العابدین
 اعنی محبوب سبحانی قطب بانی غوث احمدی محی الدین عبدالقادر
 جیلانی قدس سره العزیز و چیرای از مناقب آنجناب هم در
 مقدمات مذکور شد باید دید درین اوان مبینست اقران با احترام
 و کار پردازان مطیع حسن میر حسن ضوی بطبع بر نفع این کمیا
 سعادت و اکسیر برکات شرف و مباحی گردیدند و ذخیره اندو
 حیات جاوید شدند الحمد بعد علی ذلک حمد اکثر اشیرا

قطعه تاریخ خاتمه طبع

طبع چون کبریت است حسنه
 معصوم مقبول شد که روی بک گفتند
 غور نازنین من کلام نه خالص بود
 بعد از نوازش و طبع از طبع و

